



خسروپناه: غربی‌ها با ترجمه آثار ابن سینا و ابن هیثم‌ها به عقلانیت رسیدند

رئیس مؤسسه حکمت و فلسفه ایران در برنامه شب آسمانی گفت: تا زمانی که جریان‌های سلفی‌گری و صوفی‌گری مطرح است، تفکر فلسفی در جهان اسلام مرده باقی می‌ماند.

رئیس مؤسسه حکمت و فلسفه ایران در برنامه شب آسمانی گفت: تا زمانی که جریان‌های سلفی‌گری و صوفی‌گری مطرح است، تفکر فلسفی، در جهان اسلام مرده باقی می‌ماند. به گزارش جام جم آنلاین حجت الاسلام خسروپناه، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در برنامه شب آسمانی شبکه قرآن و معارف سیما به بحث اسلام و توسعه پرداخت و گفت: توسعه و به تعبیر دقیق‌تر پیشرفت به معنای حرکت است و این حرکت مسلماً حرکتی تدریجی و روبه تکامل است. آیت الله جوادی آملی در این رابطه بحث توسعه کوثری در مقابل توسعه تکاثری را مطرح می‌کنند. در قرآن، هم تکاثر و هم کوثر هر دو آمده است و در هر دو نیز کثرت مطرح است. وی ادامه داد: کثرت تکاثر دنیازده، این جهانی و از نوع غفلت از آخرت است، اما در کثرت کوثر ارتباط ملک و ملکوتی مطرح است. از حضرت زهرا(س) نیز به کوثر تعبیر شده است، زیرا از ایشان نسلی به وجود آمد که به همراهش رشد و بالندگی و حیات طیبیه به وجود آمد و آثار و برکات زیادی با خود داشت. حجت الاسلام خسروپناه در رابطه با بحث توسعه تأکید کرد: گاهی حرکت‌های تدریجی می‌تواند در مسیر انحطاط باشد و گاهی در مسیر تکاملی. به اعتقاد بنده توسعه اسلامی حرکتی تدریجی اما روبه تکامل است، تکاملی کوثری برای رسیدن به هدفی که آن هدف حیات طیبیه است. وی بیان داشت: در قرن 3 تا 6 با تمدن اسلامی روبه رو بودیم اما بعد از آن رفته رفته بستر حرکت تدریجی انحطاط پدید آمد و این گونه شد که جهان اسلام شخصیت‌های مهم خود را از دست داد. رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران تأکید کرد: تکامل و کمال از نظر اسلام کمالی است که همه ساحت‌های انسانی را در برمی‌گیرد اما تکامل از نظر ماتریالیست‌ها تکاملی است که در آن سود بیشتر و ثروت بیشتر مطرح است حتی اگر این ثروت باعث فقر بیشتر برای دیگری شود. وی بیان داشت: بحث‌های تئوریک و مبنای تمدنی و فلسفی در حوزه تمدن و توسعه فقط از ایران رشد پیدا می‌کند زیرا امروزه در جهان اسلام تفکر فلسفی مرده است و تفکر سلفی‌گری و صوفی‌گری مطرح است پس نباید انتظار داشت آن‌ها یک تئوری فلسفی در باب توسعه ارائه بدهند. این استاد فلسفه بیان داشت: فراموش نکنیم سلفی‌گری و صوفی‌گری برای امروز نیست بلکه میراثی هزار ساله است. این دو جریان، جریان‌هایی هستند که از عقلانیت فاصله گرفته‌اند و مثل دو لبه قیچی هستند که به عقلانیت آسیب می‌زنند بنابراین هرگز دست آوردی به نام فلسفه نمی‌توانند داشته باشند پس در نهایت نیز نمی‌توانند تعریفی فلسفی از تمدن و توسعه اسلامی ارائه دهند. وی گفت: در رابطه با بحث توسعه نیز هرگز نباید توقع داشته باشیم که 10 ساله و یا 20 ساله تحولی شکل بگیرد به طوری که اگر رنسانس هم این چنین نبود. از قرن 11 تا قرن 13 یعنی 4 قرن غربی‌ها به ترجمه آثار ابن سینا و ابن هیثم‌ها پرداختند تا در نهایت به عقلانیت رسیدند که این عقلانیت را هم از ابن سینا گرفتند که توانستند با اندیشه‌های ارسطو آشنا شوند و بعد در قرن 17 بود که تازه تحولات علمی و ... صورت گرفت. خسروپناه تصریح کرد: یک قرن و نیم است که روشنفکرانی در جهان اسلام پیدا شدند که متوجه انحطاط گشتند اما عمدتاً نسخه‌هایی که ارائه می‌دادند یا غربی بود و یا شرقی. در صورتی که ما باید در چارچوب اسلامی به تمدن اسلامی برسیم. البته باز هم حرف گذشته خود را تکرار می‌کنم که ما باید از دست آوردهای مهم غرب استفاده کرده و نباید از صفر شروع کنیم. بلکه باید برای رسیدن به تمدن اسلامی بر تمدن گذشته و غرب سوار شد. وی در رابطه با توسعه در کشورهایی مانند ترکیه و مالزی بیان داشت: من مدل این کشورها را مدل توسعه اسلامی نمی‌دانم این کشورها دغدغه غرب زدگی را دارند و غرب زده هستند و به شدت خودشان را بدهکار غرب کرده‌اند. در همه این مدت مالزی دانشمند و عقبه فلسفی و فکری تربیت نکرده است. خسروپناه اضافه کرد: در کشور ترکیه شرکتی تولید کننده پیدا نمی‌کنید که با یک شرکت اروپایی مشارکت نداشته باشد آن‌ها از کشورهای غربی مهندس می‌آورند تا برای آن‌ها پل بسازد البته این بد نیست بد این است که مصرف کننده بار بیایند. این چه توسعه اسلامی است که حتی مساجدشان نیز معماری غربی دارد. باید از این‌ها سؤال کرد که تا چه زمانی می‌خواهید مصرف‌گرا باشید. وی با بیان این که کشوری مانند ترکیه هیچ عقبه فلسفی و فکری ندارد گفت: اگر در یونان و روم علم پیشرفت کرد به دلیل عقبه فلسفی آن بود. ما باید از غرب بهره ببریم اما بهره‌گزینی بر اساس عقلانیت اسلامی و کوتاه مدت. در غیر این صورت باید همیشه مصرف‌گرا باشیم نه بازیگر صحنه. خسروپناه در پایان بیان داشت: ما در کشورمان دو منبع عقل و وحی را داریم اما باید مدیریت کشور نیز به سمت فرآیند کردن

تعریف توسعه اسلامی و عینیت بخشیدن آن در جامعه تلاش کند. مشکل ما این است که هنوز برخی مدیران باور ندارند که ما می توانیم به توسعه اسلامی برسیم. برای عینیت بخشیدن به این فرآیند باید به منابع انسانی و نخبگان توجه بیشتری کنیم و آن ها را ولو این که می روند در کشوری دیگر تحصیل می کنند حفظ کرده و به کشور خود بازگردانیم.